

پهلوی می‌توان محرومت را از پهره‌ها جادو

میرحسین موسوی نخست‌وزیر:

حجت‌الاسلام خویننی‌ها:

* به نظر میرسد دستهای مرموزی سعی کرده‌اند آن شعارهایی که در جهت استقرار عدالت و قسط اسلامی بوده است از بین ببرند. درحالی که امام امت همیشه فریاد دفاع از کوخ نشینان در مقابل کاخ نشینان را میداده است.

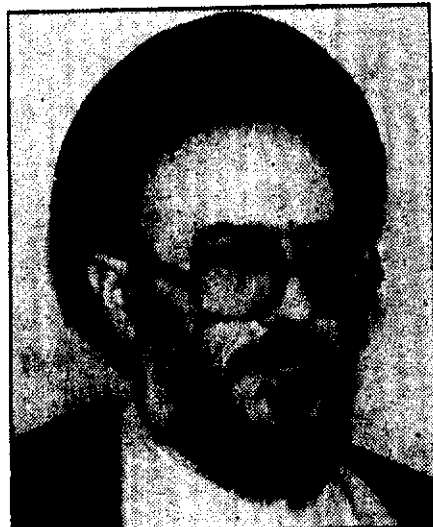
* شما هر سیاستی را که بخواهید اتخاذ کنید یک عده صدایشان در می‌آید و اگر قرار باشد بخاطر مسائل سیاسی، فوری آنها را راضی کنید، ما باید همیشه لنگ لنگان حرکت کنیم و در نهایت هم بجایی نرسیم.

یکی از شعارهای اساسی انقلاب اسلامی، رفع محرومیت از اقشار رنج‌دیده‌ای بود که بواسطه ظلم رژیم طاغوت در فقر و استضعاف بسر برده و با سختیهای بیشماری در این مسیر روبرو بوده‌اند. از اینرو بدنیال بیروزی انقلاب، یکی از اساسی‌ترین اصولی که به منزله بخشی از ضروری‌ترین آرمانها و اهداف انقلاب بود، محقق می‌شد. رفع محرومیت بود که در این جهت گامهایی نیز برداشته شد.

اما نکته اساسی اینست که متأسفانه هنوز بعد از پنج سال که از انقلاب می‌گذرد، نموده‌های کوچک و بزرگ اساسی مشاهده نمی‌شود. کنار کشور و بریزه در روستاها به چشم می‌خورد و این خود نشان می‌دهد که حرکت دولت، نهادها و سایر بخشهایی که در این جهت تاکنون فعالیت نموده‌اند، نه تنها کافی نیست بلکه بلحاظ مشکلات عدیده، سراسر کندگی در کنار نقص در برنامه ریزی و همچنین عدم اتخاذ حرکتی جدی در بسیج مردم و بکارگیری کلیه امکانات، گام کاملاً مؤثری در زمینه رفع محرومیتها برداشته نشده است. از اینرو اگرچه محرومیت و استضعاف، ابعاد مختلفی چون فقر، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و... دارد، ولی ما تنها به بعد اقتصادی مسئله بدلیل تأکید آن بر ابعاد دیگر، اشاره نموده و نظرات و راه‌حلهای مسئولین را در این باب جویا می‌شویم.

در وهله اول باید شعارهای انقلاب اسلامی را در دفاع از مستضعفین زنده نگه داشت. به نظر میرسد دستهای مرموزی سعی کرده‌اند آن شعارهایی که در جهت استقرار عدالت و قسط اسلامی بوده است از بین ببرند. درحالی که امام امت همیشه فریاد دفاع از کوخ نشینان در مقابل کاخ نشینان را میداده است. در وهله بعد غیر از آنکه دولت می‌بایست سعی کند هر روز بیشتر از روز پیش در امداد، رفاه و... عمومی را در خدمت محرومین قرار دهد. باید تلاش کرد که یک همدلی بین همه نیروها و ارگانها و نهادها بر سر تدوین قوانین و مقرراتی که باید چهره جامعه را اسلامی تر گرداند و روح قانون اساسی را در جامعه پیاده نماید بوجود آید. همانطور که گفتم امروز ما در این ارتباط دچار خلا قانون هستیم. یک حساب سرانگشتی نشان می‌دهد که شرایط ناشی از جنگ عده‌ای را بیش از اندازه نولدار کرده است و سؤال بنده آنست که آیا ما قدرت گرفتن مالیات مستقیم از همین کسانی که در شرایط ویژه جنگی برای اثبات سرمایه استفاده کرده‌اند، داریم؟ البته شاید در مقابل مسائل گوناگون مربوط به دفع محرومیت، این یک مساله باشد ولی بهرحال اندیشیدن به آن مشکلات دولت را نشان می‌دهد.

محرومیت در جامعه ما ابعاد مختلفی دارد. محرومیت فرهنگی، محرومیت اقتصادی، محرومیت سیاسی و... اما اینکه چگونه باید با محرومیتها مبارزه کرد، همانطور که در سرنگونی رژیم شاهنشاهی اثبات شد، تنها حرکتهای ریشه‌ای و انقلابی توان ایجاد تحولاتی بنیادین را دارد. به همین خاطر در زمینه‌های دیگر نیز با حرکتهای سریع، دافع، پرشاد و در عین حال مدبرانه، میتوان به نتایج دلخواه رسید و ترفندهای دشمنان را در شبانه روز خنثی کرد. در زمینه رفع محرومیتها مرحلۃ اول، شناخت علل و عوامل آنهاست و بدنیال آن حرکت قاطع و انقلابی. از ۵ سال گذشته این حقیقت روشن شد که با دست و پا زدن و تلاشهای پراکنده نمی‌توان مشکلات جامعه از جمله فقر و محرومیت را حل کرد. البته تلاش وجود دارد و همه نیروهای علاقمند به انقلاب در این امر جدیت دارند اما متأسفانه در عمل موفقیت چندانی چشم نمی‌خورد و همین عدم موفقیت نمایانگر این است که باید در روشها و شیوه‌ها تجدید نظر کرد. در سال ۴۲ امام فرموده بودند که ای کاش این نفت قطع می‌شد تا کشور ما آزاد می‌گردید. یعنی طمع آمریکا به نفت ما باعث استقرار یک حکومت دست‌نشانده در کشور ما شده است و آمریکا به خاطر مظاهر خود،



از شاه حمایت می‌گردد و هر گونه حرکتی علیه او را سرکوب می‌کرد و طبیعی است که امروز هم مرتب در مقابل انقلاب اسلامی سنگ اندازی کند. اما ما باید با مشکلات مبارزه کنیم، ما اگر می‌خواهیم محرومیت را از بین ببریم باید با تحمل محرومیت اینکار را انجام دهیم و اینبار باید محرومیت را آن قشری که قبلاً مرفه بوده تحمل کند، وگرنه محرومها که همیشه محروم بوده‌اند و اگر ما وضعمان به همین منوال که هست، پیش برود، لابد در آینده باید بگویم که اساساً تقدیر الهی بر این است که اکثر مردم محروم باشند و یک عده‌ای هم متوسط و یک عده هم دارا که مسلماً خط امام چنین چیزی را نمی‌پذیرد و اگر کسانی هم در باطن نفس خود چنین اعتقادی داشته باشند، ظاهر نمی‌کنند، این نظریه جدید نیست، فلاسفه قدیم همه بعضی به همین نکته

* در اینجا مانند حکایت

قارون نباشد که وقتی پیامبر به او گفت از نعمتهایی که خداوند به تو داده به بندگان خدا انفاق کن، جواب داد که این اموال مال من است و به خدا ربطی ندارد

رسیده بودند که هر وضعی که هست وضع طبیعی نظام عالم است، اینکه یکی شاد باشد دیگری گدا، اقتضای طبیعت است. وحتی آنها در فلسفه شان هم به اینجا رسیده بودند که برای اینکه این نظام طبیعی دست نخورد دنیا بر سر جای خودش بماند باید سلسله مراتب و قطبیت جوامع پابرجا باشد، حال باید دید چرا

این فلسفه پیدا شده شاید یکی از علل آن این بود که اینها چون نمی‌خواستند راهی برای حل این مشکل پیدا کنند، خود مشکل را به عنوان یک نظام طبیعی قبول کرده بودند، چون آمادگی کافی برای عوض کردن آنرا نداشتند. وقتی انوشیروان آمادگی نداشت که یک کفش دوز بیاید و درس بخواند و احیاناً بفهمد که در مملکت چه خبر است و در ارتش چه خبر است کم کم می‌پذیرد که همین نظام که هست عدل است و باید بماند، امروز هم بعضی‌ها اعتقاد دارند که اساساً این غلط است که ما بخواهیم حق محرومین را بگیریم. اینکه باید کاری کنیم تا منافع ثروتمندان کمتر شده و محرومین به‌حقشان برسند معنی ندارد، خدا خواسته که عده‌ای فقیر و عده‌ای غنی باشند، آن فقیر با فقرش در پیشگاه خدا آزمایش می‌شود و آن غنی هم با ثروتش، اینها می‌گویند مخصوصاً خدا یک عده را فقیر کرده و یک عده را غنی و اگر بخواهیم فقیر را نجات بدهیم نظام الهی را برهم زده ایم، خدا یک کلاس امتحان درست کرده است که یک عده از شاگردانش اغنیا هستند و یک عده هم فقرا، اگر شما جلوی فقر را بگیرید یعنی کلاس امتحان خدا را برهم زده‌اید. وواقعاً یک عده امروز این حرفها را می‌زنند، اما ما می‌گوییم که این نظام غلط است باید عوض شود و خداوند هیچوقت نخواسته فقرا، فقیر بمانند، همانطور که مقرر نکرده یک عده همیشه غنی باشند، و خداوند این عالم را خلق کرده، این نعمتها را فرستاده و انسانها باید بر اساس این دستورالعملها که فرستاده شده حدود یکدیگر را رعایت کنند و هم فقیر می‌تواند غنی شود، یعنی از دیگران بی‌نیاز باشد، و هم آن غنی حق ندارد در مقابل آن فقیر بی‌تفاوت باشد، وقتی این را

قبول کردیم که در یک جامعه هزار نفری نباید فقط ۱۰ نفر در نهایت رفاه باشند ۹۰ نفر متوسط و ۹۰۰ نفر در فقر و بدبختی و این وضع باید عوض شود یک سوال پیش می‌آید که آیا برای رفع این مشکل باید نعمتهای خداوند بیشتر شود تا از این مقدار به فقا برسد و از فقر نجات یابند، یا آنچه که در عالم خلق شده همین است و همین کفایت بندگان خدا را می‌کند منتهی نحوه توزیع باید عوض شود، اگر ما بخواهیم این وضع و نظام درست بشود باید در این وضع موجود تغییر بوجود آوریم، اگر بخواهیم آن ۱۰ نفر وضعشان خوب باشد و آن ۹۰۰ نفر نیز به نوایی برسند این درست نخواهد شد باید از آن ۱۰ نفر گرفت و بین بقیه تقسیم کرد و در اینجا مانند حکایت قارون نباشد که وقتی پیامبر به او گفت: از نعمتهایی که خداوند به تو داده به بندگان خدا انفاق کن جواب داد، این اموال مال من است و به خدا ربطی ندارد. بنابراین مسئله این نیست که خدا بگوید این ثروتهایی را که به قارون دادیم مال خودش است و ما از جای دیگر برای فقرا این‌ها را تهیه می‌کنیم، بلکه به همان قارون می‌گفت که بدهد و چون نداد خداوند آن عذاب را برایش فرستاد.

پس می‌بینیم که رفع محرومیت و فقر از جامعه با حرف زدن و شعار دادن درست نمی‌شود ما اول باید بپذیریم که فقر و محرومیت همراه ولادت فقرا در شناسنامه آنها ثبت نشده و در شناسنامه اغنیا نیز ثبت نشده که اینها باید همیشه ثروتمند باشند و از درآمدشان چیزی کم نشود، بعد از این باید بپذیریم که نعمتهای خداوند همین مقدار است که می‌بینیم و این مقدار کمی نیست. بنابراین اگر اشخاصی فقیر پس ما تا درست این مسئله را حل نکنیم و آماده چنین تغییری نباشیم چه راهی برای رفع فقر و محرومیت داریم، ما بیانییم دولت را مکلف کنیم که با دادن سوبسید و خدمات و امثال اینها به روستائیان و فقراء فقر و محرومیت را از میان بردارد، خوب بودجه‌ای را که دولت می‌خواهد برای این امر اختصاص دهد از کجا می‌آورد؛ اینکه ما می‌گوییم دولت باید به روستاها آب و برق و بهداشت برساند و برایشان مدرسه بسازد بودجه این امر را از کجا بیآورد، از خود روستا تهیه کند؟ که خوب اگر روستائی خودش بودجه‌ای داشت که صبر نمی‌کرد دولت برای او این اقدامات را انجام دهد، اینکه دولت موظف است محرومیت و فقر را برطرف کند یعنی از

*** امروز هم بعضی‌ها اعتقاد دارند که اساساً این غلط است که ما بخواهیم حق محرومین را بگیریم، کاری کنیم تا منافع ثروتمندان کمتر شده و محرومین به حقشان برسند، معنی ندارد، خدا خواسته که عده‌ای فقیر و عده‌ای غنی باشند. آن فقیر با فقرش در پیشگاه خدا آزمایش میشود و آن غنی هم با ثروتش.**

خود مردم پول بگیرد و برایشان خرج کند؛ یا خیر، باید از اغیاء بگیرد و خرج ضعیفا کند اگر شیوه اولی باشد که این منطقی نیست و اگر شیوه دوم باشد ما باید خودمان را آماده کنیم برای این شیوه و راههایی را که این عمل را محقق می‌کند بپذیریم و با پذیرفتن این راهها بتوانیم فقر و محرومیت را برداریم، هرسیاستی را که دولت برای حل این مشکل پیش بگیرد این تفکر باید در زیربنای آن پذیرفته شود اگر پذیرفته شد ما می‌توانیم بر این مبنا سیاست‌گذاری کنیم، ولی اگر نه سوال دوازدهم: باشید که یک عده باید غنی باشند و یک عده فقیر یا این تفکر دیگر مشکل می‌توان کار کرد. ولی با قبول زیربنائی که گفته شد آن وقت، با توجه به موقعیتهای گوناگون جغرافیایی، زمانی و نمره می‌توان سیاستهای مختلفی را اتخاذ کرد، برای سوال شما که چگونه می‌توان فقر را از جامعه زدود خوب باید مشخص شود که در کجا و چه وقت ولی الان که خوب منظور ما روستائیان است، ما تکیه می‌کنیم که باید به روستاها رسید چون فقر عظیمی از جمعیت مادر روستاها زندگی می‌کنند و اکثریت محرومین را نیز همینها تشکیل می‌دهند خوب معلوم است روستائی را با آوردن در شهر نمی‌توان غنی کرد، این فقر ظاهراً از یک روستائی برداشته می‌شود ولی در اصل بین همه تقسیم شده و بازتاب آن بعد از مدتی گریبانگیر عده زیادی می‌شود، و این عده نیز همان روستائیانی هستند که به شهرها

آمده‌اند نه آن کسانی که از این مهاجرت جیبهای خود را انباشته‌اند، بنابراین سیاست ما در اینجا برای رفع محرومیت این است که روستائی باقی بماند، اما باقی ماندن روستائی در روستا شرایطی دارد، نمی‌خواهم بگویم شرطش این است که باید حتماً برق داشته باشد و از این قبیل نه، اینطور نیست روستائی ما بخاطر نبودن برق به شهر می‌آید، چون زندگی در روستا احتیاجی ضروری به برق ندارد روستائی کارش ایجاب می‌کند که اول شب بخوابد و احتیاجی هم به سماور برقی و ماشین لباسشویی ندارد اصلاً فرهنگ زندگی روستائی ما این چیزها نیست که روستائی بخاطر آن به شهر بیاید ما زندگی و تنظیم نیازهای جامعه را طوری ساخته‌ایم که دیگر ماندن روستائی در آنجا منطقی نیست، ما با بها دادن به کالاهای غیر ضروری و لوکس کاری کرده‌ایم که دیگر تولید کالاهای ضروری برای روستائی صرف نمی‌کند، وقتی که ما هنوز در کشور محتاج وارد کردن آرم ستاره جلوی ماشین بنز هستیم و برایمان وارد کردن چنین کالایی اولویت دارد و این در شرایطی است که ما گندم را بزحمت می‌توانیم از بنادر تخلیه کنیم و باید مہمات جنگی را هم به سرعت به جبهه‌ها برسانیم و هر چه سریعتر ماشین‌آلات تولیدی را وارد کشور کنیم اما برای وارد کننده ما هر که می‌خواهد باشد این مسئله وجود دارد که آرم ستاره بنز را وارد کند، با وجود اینکه این مسئله نسبت به کل واردات ماحجم چندانی را بخود اختصاص نمی‌دهد ولی تفکر نمی‌تواند روستائی را نجات دهد، دهها کالای دیگر نیز هست که وارد کشور ما می‌شود و با شرایط کنونی ما اینها اصلاً نباید وارد کشور شوند، ولو در زندگی ما مفید هم باشند، نمی‌گویم همه تجملی هستند اما آنکه برای ما کشنده و هلاک کننده است این است که ما سال بسال بر واردات گندم مان افزوده می‌شود ما اینرا باید حل کنیم، ما اگر گندم داشته باشیم ولی کفش نداشته باشیم میتوانیم با گیوه راه برویم و اصلاً یا برهنه راه برویم و مردمی که بابرهنه راه بروند آمریکا نمی‌تواند بر آنها مسلط شود، اما اگر ملتی کفشهای گرافیمنت و واکس زده پوشید و در عوض گندم نداشت، آمریکا براحتی بر آن چیره میشود.

عده این است که ما دیدگاه را مشخص کنیم، با چه دیدگاهی می‌خواهیم مسائل اقتصادی را حل کنیم و وابستگی را از بین ببریم؟ اگر این حل شد آنوقت، سیاست‌گذاری‌ها هم آسان می‌شود و می‌توان براحتی

آن‌ها را به جامعه شناساند و از مردم خواست که مشکلات را بپذیرند ولی در مقابل آنانی که می‌خواهند فشارهای غیر منطقی بر انقلاب وارد کنند باید قاطعانه ایستاد. تذکر یک نکته هم در اینجا لازم است که اگر مسئولین جمهوری اسلامی بنا دارند که همه را راضی کنند و حرکت‌هایشان باعث نارضایتی هیچکسی نشود مطمئناً کار ما به هیچ جا نمی‌رسد. چون همانطور که گفتیم وقتی شما می‌خواهید یک بیمار را معالجه کنید امکان زیادی هست که عمل شما موجب ناراحتی و درد بیمار شود و بخاطر این درد نباید جلوی معالجه را گرفت، وقتی شما می‌خواهید دندان فاسد را بکشید، این بدون درد و خونریزی نمی‌شود، شما هرسیاستی را که بخواهید اتخاذ کنید یک عده صدایشان در می‌آید و اگر بخواهید بخاطر مسائله سیاسی فوری آنها را راضی کنید و صدایشان را بخوابانید ما همیشه باید لنگان لنگان حرکت کنیم و در نهایت هم بجایی نرسیم.

حضرت آیت‌الله طاهری امام جمعه اصفهان:

*** اگر فکر بشود که یک اداره یا یک نهاد یا دولتی، می‌تواند بتنهایی مشکل زدایی کند، این بنظر من اشتباه است. چرا که باید سعی شود و همه کارها جنبه مشارکت با مردم داشته باشد.**

برای ریشه کن نمودن فقر در همه زمینه‌هایی که شما اشاره کردید، هیچ راهی بغیر از بسیج عمومی مردم، بسیج مردم در جهاد سازندگی و نهضت سوادآموزی، بسیج مردم در جهت افزایش تولیدات کشاورزی، بسیج مردم در کمی مصرف و بسیج مردم در تولید نمی‌باشد. اگر فکر بشود که یک اداره یا یک نهاد یا دولت میتواند بتنهایی مشکل زدایی کند، این بنظر من اشتباه است چرا که باید سعی شود همه کارها جنبه مشارکت با مردم را داشته باشد که در واقع باید حل مشکل کرده و حلال مشکلات باشند، مسئولین باید ب مردم کمک کنند، تالشاء الله مردم بسیج بشوند و در صحنه‌ها حاضر باشند در ابعاد

مختلفه، تابا همیاری و همکاری مردم که تز اسلام است. انشاء الله بتوانیم فقر را در همه زمینها بحول و قوه خدا ریشه کن کنیم.

حضرت آیت الله خاتمی امام -
جمعه یزد:

برای اینکار در درجه اول باید معنویت و اخلاق اسلامی بین مردم ترویج شود. اگر بخواهیم جامعه را اصلاح و محرومیت را از بین ببریم بدون عاطفه دینی و روح اسلامی این غیر ممکن است و ما می بینیم که در اکثر کشورها با اقداماتی که صورت می گیرد باز هم محرومیت هست، این از نظر معنوی که اصل هم همین است، ولی از لحاظ عمل باید همان هایی را که گفتیم انجام داد. باید اقتصاد سروسامان بگیرد و برای محرومینی که قادر

*** برای رفع محرومیت بعد از فعالیتهای زیربنایی که باید در جهت کشاورزی و درآمدهای تولید صورت گیرد، ایجاد یک نظام اقتصادی که در آن هیچ محرومی نباشد و هیچ جانی محروم درست نکند، واجب است.**

بکارند کاریابی شود.

محرومین نتوانند یکی آنهاست که واقعا از کار افتاده اند مانند پیرزن و پیرمردهایی که هیچ کاری از آنها بر نمی آید که دولت اسلامی باید

بوده ای برای اینها اختصاص داده و اینها را تحت نظام خاصی اداره کند. و دره اختصاصی که قادر به کار و فعالیت می باشند ولی به لحاظ نداشتن ابزار کار و وسائل دیگر بیکار مانده اند. باید به اینها کار داد و حتی آنها را اجبار کرد به کار کردن. خلاصه برای رفع محرومیت بعد از فعالیتهای زیربنایی که باید در جهت کشاورزی و درآمدهای تولیدی صورت بگیرد ایجاد یک نظام اقتصادی که در آن هیچ محرومی نباشد و هیچ جانی محروم درست نکند واجب است. چنانچه حضرت علی (ع) فرمودند. «هر جایی که ثروت جمع شود در کنارش شمشیر است.» و اگر در این جامعه نظام اسلامی آنطوریکه امام و حکومت اسلامی می خواهند، اجرا شود، همه این مسائل رفع می شود و انشاء الله پس از پیروزی در این جنگ که گریبانگیر ماست به این مشکلات رسیدگی شود و همه آنها حل شوند.

حجت الاسلام خامنه ای رئیس
جمهور:

*** امروز لیبرالها در جایی تسلط و حضور فعال ندارند، نه در دستگاه اجرایی و نه در دستگاههای قانونگذاری و تصمیم گیرنده و می بینیم که کار در دست حزب الله است.**

پایگاه لیبرالیسم در این مقطع از انقلاب

مقدمه:
لیبرالیسم جریانی است که در تقابل با
انقلاب اسلامی ایران، هر بار خود را بگونه ای طرح
نموده و به کار شکنی و اشکال تراشی در امور پرداخته
است. در این میان ضربات مکرری که هر یک سار در
ره نمودهای امام و روشنگریهای باران رهبر و هشاری
و وحدت یکپارچه است حزب الله در برخورد با این
جریان و خط فکری، اعمال شده است. این خط را از
صحنه های اجرایی انقلاب مطرود نمود و جتنی
مهلنی برای عرض اندام مجدد برایش ساختی
نهاد است.
اما خطرات این جریان از آنجا که تنها ریشه در
افراد و گروههای لیبرال منش ندارد و پایگاه آن در
خصلتها و باورها و بطور کلی خط فکری ای است که

مقدمه:
یعنی دارد با مسخ ارزشها و شمارهای انقلاب،
حاکمیت فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی غربی
را بر کلیه شئون، امکان پذیر سازد.
برهیز از این خط فکری (گرایش به
غرب) در کنار مطالبه با خطوطی که گرایش به شرق
و اقتصاد شرق را تبلیغ می کنند و تکیه بر
شعارهای اساسی انقلاب و افتخار مکرر خطوط
انحرافی و هشاری و عدم باور مکرر کامل دشمنان
جمهوری اسلامی، تنها راهی است که پیش پای
کلیه نیروهای مطرود و متکفون به خط امام
قرار دارد. در پی درک این ضرورت، نظرسر
شخصیتها را برانمون پایگاههای لیبرالیسم در این
مقطع از انقلاب جویا شدیم:

من نمی دانم منظور از خطر لیبرالیسم چیست. اگر نظرتان خطر وجود لیبرالیسمی است که از اول انقلاب تا بحال هر بار بشکلی برای انقلاب ایجاد مزاحمت کرده اند، به گمان من این خطر خیلی بزرگی نیست و بنده این را یک خطر جدی نمی دانم تا بخواهم بیاندیشم که آیا ما از این خطر رها شده ایم یا نه؟ آن روزی که لیبرالها مسلط بر این انقلاب بودند و دستگاههای اداره کننده کشور در قبضه آنان بود، البته ما دچار یک خطری بودیم. اگر چه آن خطر در آن روز نیز تعیین کننده و جدی نبود، زیرا که علاجش آسان بود. علاج آن توجه دادن مردم به دین و مبانی انقلاب و حکومت مردمی واقعی بود که بارها درق بزنید